

دینار و دیات



ابوالفضل میر محمدی

مقدمه

از جمله مسائل مورد ابتلای دادگاههای کیفری که احکام آن در کتب فتاوی و فقه روشن نشده است مسئله تعیین دینار میباشد. از این رو قضات در این باب از شورای عالی قضائی استعلام فراوان می نمایند و می پرسند آیا ذکر دینار در قانون و یا کتب فتوی، بعنوان دیه برای بعضی از اعضای انسان، موضوعیت دارد، یعنی آیا در آن موارد حتماً باید دینار پرداخت شود و چنانچه پرداخت دینار ممکن نباشد باید قیمت آن داده شود و یا ذکر دینار از باب منال است و برای تعیین نسبت آمده است، یعنی در سوردی که پانصد دینار بعنوان دیه تعیین شده است مراد از آن نصف دیه کامله است، گرچه از دراهم و یا از دیات ششگانه دیگر باشد؟ در واقع فرض اول یعنی دینار همانطوریکه مورد استبعاد بلکه استنکار عرف مردم قرار میگیرد موجب شگفتی و استبعاد قضات نیز میگردد و گفته میشود اگر دینار مذکور برای دیه بعضی از اعضای انسان تعیین داشته باشد، به هنگام تقویم معلوم میشود که قیمت دیه بعضی از اعضاء به مراتب بیشتر از دیه نفس میشود و این مطلب قابل قبول نیست.

در ماده ۳ قانون دیات که مطابق با فتاوی حضرت امام دام ظلّه میباشد دیه قتل نفس یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها معیر است.

- ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۳- یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .

۴ - دوپست دست لباس سالم از حله های یمن

۵ - یکهزار دینار مسکوک و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .

۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره میباشد^۱

و اما دیه بعضی از اعضاء که به حسب دینار تعیین شده است و از باب مثال دیه مجموع دو ابرو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است^۲

اکنون اگر پانصد دینار در مورد دیه ابرو تعیین داشته باشد ، در زمان ما مقدارش به مراتب از دیه نفس بیشتر میشود . زیرا اگر قاتل در دیه ، درهم را اختیار کند ، چنانکه خواهد آمد وجه کمتری می پردازد . همین استبعاد در مواردی هم که تنها شتر دیه قرار داده شده است و تعداد شترها زیاد است ، عنوان میشود . بند ۷ ماده ۱۸۶ قانون دیات ، دیه جراحات منقله را پانزده شتر تعیین نموده است^۳ اکنون اگر بهای هر شتر را به موجب قیمت متعارف بیست هزار تومان بدانیم جمع دیه بالغ بر سیصد هزار تومان میشود ، که از بعضی دیات قتل نفس افزونتر است . البته در خصوص این مورد از حضرت امام دام ظلّه استفتاء شده است که پاسخ داده اند در این مورد شتر متعین نیست ، بلکه میتوان دیه را با همین نسبت یعنی ۱۵ صدم در سایر دیات ششگانه پرداخت کرد . برای روشن شدن مساله قسمتی از استفتاء و پاسخ آن را نقل می کنیم :

«سؤال : در بعضی از جراحات که شتر بعنوان دیه تعیین شده ، مانند شجاج که گاه دیه به ۱۵ شتر میرسد و زیادتر از اصل دیه نفس است که جانی در دیات انتخاب می نماید همانند ده هزار درهم ، آیا شتر موضوعیت دارد یا نسبت به دیه است یعنی یک صدم دیه در جائیکه یک شتر دیه است ، که مباحب جواهر هم بر این عقیده است . تاریخ ۶۲/۱۱/۷»
«پاسخ : شتر موضوعیت ندارد و بالنسبه از دیه نفس حساب میشود ، هر چند در صورت امکان احتیاط در مصالحه است» (محل امضاء و مهر حضرت امام) .

پس مسئله مذکور با فتوای حضرت امام حل شده است و در مورد آن مشکلی نیست . اما اشکال و اجمال در مساله دینار همچنان باقی است و در باره آن نه فتوای صریحی از حضرت امام در دست است و نه در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی توضیحی وجود دارد

۱- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۵۵

۲ - قانون دیات مصوب ، ماده ۴ و تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۷۱

۳- ماده ۱۸۶ دیات بند ۷ : منقله : جراحی که دربان جز با جایجا کردن استخوان میسر نشده ،

پانزده شتر . که مطابق است با فتوای حضرت امام ، تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۹۴

از طرف دیگر نیز طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی^۱ . قاضی مکلف است به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کند و حکم قضیه را صادر نماید و قانون مصوب مجلس نیز همین وظیفه را به عهده قاضی گذاشته است^۲ .

مقاله حاضر به بررسی این مساله و عرضه نتایج حاصل میپردازد . این بررسی با توجه به واردی صورت میگیرد که در کتاب تحریر الوسیله حضرت امام دام‌ظله و کتاب جواهر و نیز قانون دیات ، دیده آنها فقط بعنوان دینار تعیین شده است^۳ نتیجه تحقیق در این زمینه در دو بحث عنوان میشود :

در بحث اول به بررسی کلی مساله پرداخته میشود . و در بحث دوم پس از ذکر موارد مذکور در ضمن یک جدول ، جزئیات و موارد آن بررسی خواهد شد .

بحث اول

کلیات

در بحث اول که بررسی کلی مساله است : سه عنوان زیر مورد تحقیق قرار میگیرد :

- ۱- احادیثی که دلالت بر تعیین دینار دارند .
 - ۲- آیا احادیث مذکور در قسمت (۱) ظهور در تعیین دارند یا نه ؟
 - ۳- استبعاد عرف مانع از عمل به ظهور این احادیث هست یا نه ؟
- ۱- احادیث

۱-۱- مرحوم صاحب اتوسائل ، از ثقة الاسلام کلینی نقل میکند : ابو عمرو متطیب میگوید : بخدمت امام صادق (ع) مشرف شدم و کتاب علی (ع) را بحضورش عرضه کردم فرمود : امیرالمومنین (ع) در بین مردم فتوی دادند و مردم نوشتند و حضرت آنرا به امراء و رؤسای لشکر ارسال فرمود و از جمله چیزهایی که در آن کتاب است : هر گاه کسی پلک بالای دیگری را از بین ببرد دیده آن ثلث دیده چشم است ، یعنی ۱۶۶ و سوم دینار و دیده پلک پائین نصف دیده چشم ، یعنی ۲۰ دینار ، میباشد و دیده ابرو که موهای آن به کلی از بین برود نصف دیده چشم است ، یعنی ۲۰ دینار و اگر تمام موها از بین نرود ،

۱- اصل ۱۶۷ : قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد .

۲- ماده ۲۸۹ از قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کتبی .

۳- ممکن است در کتب فقهیه دیگر موارد دیگری نیز باشد که در آنها فقط دینار بعنوان دیده ذکر شده باشد .

مقدار دیه به نسبت موهای زائل شده با تمام موها مقرر است.^۱

۱-۲- و نیز صاحب وسائل روایت میکند از کلینی از کتاب ظریف از امیرالمومنین (ع) که هرگاه کسی یکی از دو گوش دیگری را قطع کند دیه آن ... دینار است.^۲

۱-۳- و همچنین صاحب وسائل روایت میکند از ثقة الاسلام کلینی از امیرالمومنین (ع) هرگاه کسی کنار بینی دیگری را قطع کند دیه آن ... دینار میباشد.^۳

سه روایت بالا از جمله روایاتی اند که در آنها دیه فقط بدینار تعیین شده است.^۴

۲- دلالت و ظهور احادیث

اکنون باید دید آیا روایاتی که در آنها دینار ذکر شده است ظهور در تعیین دینار دارند یا نه؟ بنظر میرسد که این روایات ظنوری در تعیین ندارند. مرحوم صاحب جوهر و گروهی از فقهاء که وی نامشان را ذکر می کند، استفاده تعیین نکرده اند. در بیان مطب میگوئیم: روایاتی که در ابتداء مشتمل بر اصل دیه است، و سپس بدینار اشاره میکنند، آنچنان ظهوری ندارند که در اثبات تعیین بتوان به آنها تمسک جست. در ابتدای حدیث ابی عمر و مطب آمده است: دیه پلک بالا ثلث دیه چشم است و در ذیل آن که دیه مذکور به دینار تطبیق شده است، میتوان گفت محتمل است که عدد ۱۶۶ و دوسوم دینار از باب مثال باشد و بنابراین ظهوری در تعیین دینار ندارد. یعنی امام معصوم (ع) خواسته اند برای راوی بیان فرمایند که اگر بخواهند دیه را به دینار پرداخت کنند از لحاظ عددی ثلث مقدار مذکور میشود. حال آنکه اگر بخواهند دیه را به درهم بدهند باید ثلث آن را برابر با ۱۶۶ و دوسوم درهم حساب کنند که باز همان ثلث دید یک چشم است که خود نصف دیه نفس میباشد. از این رو در مسئله مذکور برطبق نقل جواهر الکلام: هیچ ذکری از تعیین دینار بمیان نیامده است بدین ترتیب که: مرحوم حقی نقل میکند: در دیه هر یک از پلکها اختلاف است و مرحوم شیخ طوسی در مبسوط میگوید در هر یک از آنها ربع دیه است، و در خلاف میفرماید که: دیه پلک اعلا دو ثلث دیه و

۱- مارواه فی الوسائل (ج ۱۹ ص ۲۱۸) عن ابی عمرو المنطرب قال عرضته علی ابی عبدالله (ع) قال ائتني امیرالمومنین (ع) فکتب الناس فتیاه و کتب به امیرالمومنین (ع) الی اسرانه و رؤوس جناده فمما کان فیه ، ان اصیب شفرالعین الاعلی فشتر فدیته ثلث دية العین مائة دینار وستة وستون دینارا و ثلثا دینار و ان اصیب شفرالعین الاسفل فشتر فدیته نصف دية العین ، مائتا دینار و خمسون دیناراً و ان اصیب الحاجب فذهب شعره کله فدیته نصف العین مائتا دینار و خمسون دیناراً

۲- مارواه فی الوسائل (ج ۱۹ ص ۲۲۳) عن محمد بن یعقوب عن امیرالمومنین (ع) فی الاذنین قطعت احداهما فدیتهما خمسة دینار

۳- مارواه فی الوسائل (ج ۱۹ ص ۲۲۱) عن ثقة الاسلام کلینی عن امیرالمومنین فی الانف قال فان قطع روثة الانف و هی طرفه فدیته خمسة دینار.

۴- هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است، قانون دیات، ماده ۳

دیه پلک پائین یک ثلث دیه است و قائل این قول زیاد است^۱ آنگاه مرحوم صاحب جواهر قول دوم را از گروهی نقل می‌کند و خود نیز همین قول را ترجیح می‌دهد بی‌آنکه بفرماید که باید دینار داد. و شاید جهت این مطلب بیان قبلی ما باشد که: در تعیین دینار ظهور ذیل مطلب اقوی از ظهور صدر آن در اصل دیه نیست و حتی ممکن است ظهور صدر را اقوی بدانیم. مرحوم محقق حلی و گروه دیگری از فقهاء - طبق نقل صاحب جواهر و نیز خود آن مرحوم - ظهور صدر را اقوی دانسته‌اند.

۳ - استبعاد عرف

بحث در باره استبعاد را میتوان یک بحث اصولی دانست. گفتیم که اگر در دیه نفس بین دیات ششگانه قائل به تخییر شویم، ولی در دیه بعضی اعضای انسانی دینار را متعین بدانیم چه بسا پیش می‌آید که دیه بعضی از دیه قتل بیشتر میشود. مثلاً اگر دیه دوا برو را طبق آنچه در جدول می‌آید... دینار بدانیم، چون در حال حاضر قیمت پانصد دینار به «... ۶۲۵» تومان بالغ میشود در نتیجه از دیه قتل نفس به مراتب بیشتر میشود. زیرا وقتی بنا بر اختیار باشد، قیمت دویست دست لباس کمتر از آن مبلغ است و نیز قیمت ده هزار درهم در این زمان بالغ بر «... ۲۴۱» تومان میشود. و البته این معنی در نظر عرف مردم مستبعد است و قابل قبول نیست که دیه دوا برو از دیه قتل نفس بیشتر باشد^۲ ناچار اگر برای روایات ظهوری هم فرض شود و دینار را متعین نماید، این ظهور قابل عمل نیست. زیر در مواردی از این قبیل، که عرف مردم نظر حتمی داشته باشند، در صورتیکه شارع مقدس بخواهد مردم و عقلاء را تخطئه کند این امر را بایستی در ضمن نص و یا ظهوری کائنص بیان فرماید تا بتوان گفت شارع آنها را از نظر خود رد می‌نماید.

اما اگر هیچ یک از ادله، حکم مساله را نفیاً و اثباتاً ثابت نکند و مساله مورد شک واقع شود، اصل جاری در این مورد، اصل برائت است، یعنی این اصل درباره قید زائد که تعیین دینار باشد جاری میشود و تعیین دینار را نفی می‌کند. در نتیجه چون ترک کلیه دیات ششگانه مخالف با علم قطعی است، ناگزیر در باره بعضی از دیات ششگانه را بالنسبه پرداخت کرد. بنابراین هرگاه دیه عضوی پانصد دینار (که نصف دیه کامل است) باشد، چنانچه مسئول پرداخت دیه مثلاً درهم را اختیار کرد باید نصف ده هزار درهم را، که تمامی دیه است، بپردازد.

۱- نقل فی الجواهر ج ۲ ص ۱۸۲: و فی تقدیر کل جفن خلاف قال فی المبسوط فی کل واحد ربع الدية و فی الخلاف فی الاعلی ثلثا الدية و فی الاسفل الثلث.
 ۲- گفته میشود، قیمت طلای ۱۷ عیار در زمان فعلی هر مثقالی (۱۷۸۰ تومان) و نقره خالص هر مثقالی ۴۴ تومان است و متذکر میشویم مثقال شرعی که ملاک عمل است سه چهارم مثقال صیرفی و معمولی است و درهم نیز عبارت از ۶/۲ نخود میباشد.

بیعت دوم

مسائل خاص

در این بحث نخست با استفاده از سه ماخذ تحریر الوسیله و جواهر الکلام و قانون دیات مصوب مجلس شورای اسلامی، جدول مواردی را بدست می‌دهیم که دیه آنها فقط به دینار ذکر شده است *، سپس به بررسی هر یک از این موارد بطور خاص و جزئی می‌پردازیم

۱- مطابق ماده ۸۰ قانون دیات، دیه موهای مجموع دو ابرو، در صورتیکه، هرگز نتروید بانصد دینار است. مرحوم صاحب جواهر پس از آنکه این مسئله را بصورت بالا از شرایع نقل میکند میگوید: اکثر فقهاء - بلکه مشهور فقهاء - با این نظر موافقت و در قضاوت میسوط و سرائر بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. سپس میگوید لکن دلیل مطلب همان خبر ابی عمر و متطبیب میباشد که سند آن با عمل اصحاب جبران شده است: امام صادق (ع) از افتاء اسیر المومنین (ع) روایت میکند که هرگاه موهای ابرو بطور کلی زائل شود دیه آن نصف دیه چشم یعنی ۲۰ دینار است و اگر قسمتی از موهای زائل شود به نسبت کل دیه داده میشود^۱

پس همانطور که از روایت استفاده میشود دیه ابروها نصف دیه چشم است و در بحث دیه چشم مطابق جواهر، دیه دو چشم، دیه کامل است و دیه هر یک از آنها نصف دیه است. مرحوم صاحب جواهر در مقام استدلال می‌نویسد: این حکم در بین ما مورد اختلاف نیست بلکه در میان اهل سنت نیز اختلافی در آن دیده نمیشود چنانکه از شیخ و ابن زهره نقل شده است^۲. در نتیجه چون دیه یک چشم نصف دیه کامله است و دیه کامله یکی از امور ششگانه است؛ بنابراین دیه ابروها نصف دیه از امور ششگانه میشود و آنچه در ذیل روایت ابی عمر و متطبیب بعد از کلمه دیه آمده است، قهراً حمل بمثال میشود. یعنی هرگاه بخواهند دیه ابروها را از دینار بدهند باید ۲۰ دینار (که نصف دیه یک چشم است) بدهند، چنانکه گروهی از فقهاء بزرگ مانند صاحبان غنیه و ایضاح و مبسوط که در دیه ابروها، تمام دیه را گفته‌اند، و اسمی از دینار نبرده‌اند، چنین فهمیده‌اند^۳ علاوه بر این همانطور که در کلیات گفتیم هیچگاه عرف مردم که استظهار از روایات بعهدۀ آنان است،

نگاه کنید به جدول صفحه بعد

۱- فی الجواهر ج ۴۲ ص ۱۷۵: لخیر ابی عمرو المتطبیب المخیر بما عرفت عن ابی عبد الله (ع) من افتاء اسیر المومنین (ع) و ان اصیب الحاجب فذهب شعره کله فدیته نصف دية العین ما تا دینار و خمسين دیناراً فما اصیب منه قبلی حساب ذلک.

۲- جواهر ج ۴۲ ص ۱۸۱.

۳- جواهر ج ۴۲ ص ۱۰۵.

شماره	عنوان	تحریر الوسيله ج ٢	جواهر الكلام ج ٤٢	قانون ديات
١	في شعر العاجين فيما اذا لم ينبت ٥٠٠ ديناراً	ص ٥٧١	ص ١٧٥	ماده ٨٠
٢	في كسر الانف اذا جبر على غير عيب ١٠٠ ديناراً	ص ٥٧٣	ص ١٩٢	ماده ٩١
٣	في الشفة السفلى الاحوط ٩٠٠ ديناراً	ص ٥٧٤	ص ٢٠٤	ندارد
٤	في كل واحدة من اسنان مقادير البدن ٥٠ ديناراً و في ماخر البدن ٢٥ ديناراً	ص ٥٧٦	ص ٢٣١	ماده ١١٠
٥	في كل واحد من اللحيان ٥٠٠ دينار	ص ٥٧٨	ص ٢٤٤	ماده ١٢٢
٦	في قطع اليد من المرفق ٥٠٠ دينار كان لها كف اولاً	ص ٥٧٩	ص ٢٤٥	ماده ١٢٨
٧	في الظفر اذا لم ينبت او نبت اسود فاسداً ١٠ دنانير وان نبت ابيض ٥ دنانير	ص ٥٨٠	ص ٢٥٨	ماده ١٣٥
٨	في كسر الظهر ، لوعولج فصلح ولولم يبق من اثر الجنابة شي عقامة دينار	ص ٥٨١	ص ٢٦١	ماده ١٣٧
٩	في حلمة ثدي الرجل ثمن الديه ١٢٥ ديناراً	ص ٥٨٢	ص ٢٦٤	ندارد
١٠	في ادرة الخصيتين وهي انتفاخهما ٤٠٠ دينار	ص ٥٨٣	ص ٢٧٢	ماده ١٤٢
١١	في الاضلاع التي تحيط بالقلب ٢٥ ديناراً و في غيرها ١٠ دنانير	ص ٥٨٦	ص ٢٨٠	ماده ١٤٥
١٢	في كل واحدة من الترقوتين اذا كسرت فجبرت ٤٠ ديناراً	ص ٥٨٦	ص ٢٨٧	ماده ١٤٦
١٣	لوفذت نافذة في شئ من اطراف الرجل ففيها ١٠٠ دينار	ص ٥٩٥	ص ٣٤٤	ماده ١٨٩
١٤	في اسوداد الوجه ٦ دنانير وفي اخضراره ٤ دنانير وفي احمراره ١/٥ ديناراً وفي ابدن النصف	ص ٥٩٥	ص ٣٤٦	ماده ١٩٠
١٥	الجنين اذا ولج فيه الروح ففيه الديه كاملة الف دينار اذا كان بحكم المسلم الحرو كان ذكراً وفي الانثى نصفها و اذا اكتسى اللحم وتمت خلقه ففيه مائة دينار	ص ٥٩٧	ص ٣٥٦	ماده ١٩٤
١٦	ديه اعضاء الجنين وجراحاته بنسبة ديته اي من حساب المائة ففي يده ٥٠ ديناراً	ص ٥٩٨	ص ٣٧٥	ماده ١٩٨
١٧	من افزع مجامعاً فعزل فعلى المفزع ١٠ دينار	ص ٥٩٨	ص ٣٧٥	ندارد
١٨	في قطع راس الميت المسلم الحر مائة دينار ففي قطع يده ٥٠ ديناراً و في قطع يديه مائة و في قطع اصبعه ١٠ دنانير	ص ٥٩٩	ص ٣٨٤	ماده ٢٠١

نمی‌توانند قبول کنند که دیه بعضی از اعضای بدن انسان از دیه نفس بیشتر باشد.

۲- فاسد نمودن و شکستن و سوزاندن بینی در سورتیکه اصلاح نشود موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب . . . دینار می‌باشد صاحب‌جواهر این سنه را آورده و اشکالی بر دیه آن که مرحوم محقق حلی . . . دینار دانسته ننموده است. اما با دقت در عبارت معلوم می‌شود که عدم اشکال ایشان در مقابل اشخاصی است که در صل حکم اشکال نموده‌اند و گفته‌اند که دلیل بر اعل حکم و وجوب دیه نداریم - نظیر آنچه از محقق اردبیلی نقل شده است که می‌فرماید برای دیه دلیل نداریم - نه اینکه عدم اشکال صاحب‌جواهر برای این باشد که چرن دیه به دینار تعیین شده است، خالی از اشکال می‌باشد. همچنین در جواهر از محقق حلی نقل می‌شود که: دیه بینی هرگاه فاسد شدید، دیه کامل است اما اشاره‌ای به موضوع دینار در میان نیست. بلکه به ذکر دیه اکتفاء کرده است که ظاهر آن تخییر بین امور ششگانه دیات است. هرگاه پس از این بیان گفته شود که چنانچه بینی معالجه شد و صحت آن برگشت دیه مزبور . . . دینار خواهد بود دیگر ظهوری باقی نمی‌ماند که فقط در دیه دینار باید داده شود و اینکه در اینجا در مقام استدلال به اجماع اکتفاء شده است معلوم می‌شود، حدیثی نیست که در مسئله وارد شده باشد.

بنابراین هرگاه گفته شود دیه بینی در صورت فساد دیه کامله است و در صورت معالجه و برگشت صحت . . . دینار می‌باشد، در حالت دوم بحاسبه یکدهم دیه کامله از هر یک از دیات ششگانه منظور نظر است، علاوه بر این استبعاد عرف را هم در این زمینه بیان کردیم.

۳- آنچه در شماره - جدول به این بیان آمده است که « برای لب پائین احتیاطاً در این است که . . . دینار داده شود. مورد بحث قرار نمی‌گیرد، زیرا به حسب فتوای حضرت امام دام‌ظله در این مورد نصف دیه کامله (یعنی نصف از هر یک از دیات ششگانه) کافی است و بنابراین احتیاط مذکور مستحبی است نه لازم و بر حسب ظاهر عبارت معفمه‌له ذکر دینار از باب مثال است نه تعین و همین استظهار از کلام محقق حلی در شراعی و صاحب‌جواهر بخوبی پیداست. علاوه بر این چون در قانون دیات اسمی از دینار برده شده است، طبعاً مساله مورد ابتلاء معاکم نیست و بنابراین احتیاج به بررسی و تحقیق ندارد.

۴- از بین بردن تمام دندانهای بیست و دشتگانه دیه کامل دارد و بترتیب ذیل نیز توزیع می‌شود.

۱-۴- دیه هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از دندانهای پیشین و چهارتائی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پائین قرار دارد (جمعاً ۱۲ عدد) پنجاه دینار است و دیه مجموع آنها شصت دینار می‌شود.

۲-۴ دیه هر کدام از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین قرار دارند (و عبارت از ۴ ضاحک و ۱۲ ضرس و جمعاً ۱۶ عدد است) بیست و پنج دینار است و دیه مجموع آنها چهارصد دینار میشود^۱. در مسئله دیه اسنان، مستفاد از عبارت قانون و کلام حضرت امام و مرحوم محقق حلی آنستکه ملاک تقسیم دیات در بین دندانها، دیه کامله‌ای است که مخیر بین دیات ششگانه است و دیناری که ذکر شده است از باب مثال میباشد. امام در تحریر الوسيله می‌فرماید: « فی الاسنان الدية الكاملة و هي موزعة علی ثمان و عشرين سناً اثنا عشرة فی مقادیر الفم ثینان و رباعینان و نابان من اعلی و مثلها من اسفل، ففی کل واحدة منها خمسون دینار فالجمیع ستمائة دینار »^۲.

آنچه در ماده بصوبه قانون آمده است تقریباً ترجمه فارسی همین عبارت است. دیه اسنان در کلام محقق نیز به همین منوال است. کتاب جواهر هم در اول بحث به ذکر دیه اسنان، که دیه کامله است، می‌پردازد، که باید به بیست و هشت دندان تقسیم شود و سپس در تقسیم دیات به دندانهاست که دینار ذکر شده است و این ذکر فقط برای مثال است یعنی دیه دندان جلویک بیستم دیه کامله است که در مقام محاسبه به دینار، پنجاه دینار میشود. اکنون اگر همین محاسبه با شتر بشود دیه مزبور پنج شتر است، که یک بیستم دیه کامله (یعنی ۱۰ شتر) میشود و هر گاه محاسبه به درهم باشد، باید برای هر یک از دندانهای جلو پانصد درهم منظور کرد، چنانکه در روایت دیگری به سند صحیح همین معنی آمده است^۳ در نتیجه بر حسب آنچه در جواهر از علماء نقل نموده است، حدیث و یا کلام مورد اتفافی از علمای اسلام دیده نمیشود که بتوان برای تعیین دینار از آنها استفاده نمود، علاوه بر این مطلب، استبعاد عرف هم، وجود دارد.

۵- از بین بردن مجموع دوفک نیز دیه کامل دارد و دیه هر کدام از آنها پانصد دینار میباشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار میشود و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود^۴.

هر چند امام خمینی دام‌ظله دیه یکی از فکها را پانصد دینار ذکر فرموده‌اند، لیکن چون این ذیل پس از بیان دیه دوفک (دیه کامله) و دیه یکی از آن دو (نصف دیه) آمده است، ظهور در تعیین دینار ندارد و بنابراین از باب مثال است که اگر بخواهند دینار

۱- قانون دیات ماده ۱۱۰

۲- تحریر الوسيله ج ۲ ص ۵۷۶

۳- مارواه فی الوسائل عن ابی عبد الله (ع) قال الاسنان کلها سواء فی کل من خمسة درهم . ج ۰ ص ۱۹

بدهند باید نصف دیه کامله را که پانصد دینار است بدهند اما اگر بخواهند درهم بدهند، چون دیه کامل به درهم، ده هزار درهم است. نصف آن پنجهزار درهم خواهد بود. در جواهر پس از نقل عبارت محقق « و فیها یعنی اللعین الدیه » اضافه مینماید « و فی کل واحد منهما نصف الدیه » و در این بیان به دینار مثال نزده است، بنابراین نزد صاحب جواهر دیه یکی از فکها نصف دیه از دیه‌های ششگانه است. یادآوری مینماید که جواهر برای حکم این مسئله استدلالی ننموده است و بنظر میرسد دلیل حکم روایاتی باشد که دلالت دارد بر اینکه هر عضوی که در انسان دو تا باشد دیه مجموع آنها دیه کامله و دیه یکی از آن دو نصف دیه است اما اگر عضو یکی باشد دیه آن دیه کامله است.^۱ این روایات نیز از جهت اینکه دیه و نصف دیه را بنحو اطلاق بیان فرموده‌اند و به دینار مثال نزده‌اند مؤید و یا دلیل است بر اینکه در مسأله مورد بحث دینار تعیین ندارد.

۶ - دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد.^۲ امام خمینی دام‌ظله در ابتدای بحث، دیه دو دست و یک دست را تعیین کرده‌اند. دیه دو دست، دیه کامله و دیه یک‌دست، نصف دیه است و از عبارتشان پیدا است که در دیه دستها دینار تعیین ندارد، بلکه دیه آنها در بین دیات ششگانه تخییری است. در مسأله بعدی که مورد بحث ماست میفرمایند: هر گاه دست از مرفق قطع شده باشد، دیه آن پانصد دینار است، چه دست قطع شده دارای کف باشد یا نه. ظاهراً جهت تعرض به این مسئله بعد از بیان دیه دست در مسأله سابق این است که خواسته‌اند تذکر دهند، دیه قطع دست از مرفق، با دیه قطع دست از مچ فرقی ندارد و برای زیادی آن، دیه را با وجه دیگری از باب حکومت نیست چنانکه در ذیل همین مسئله میفرمایند: هر گاه قطع از بالای مرفق باشد، محتمل است برای زیادی آن از باب حکومت و یا از طریق مساحت و سنجش آن به کل دست، مبلغی را قائل شد.^۳ از طرح این مسئله پیداست که دیه قطع دست از مرفق، همان دیه قطع دست از مچ است و جمله « پانصد دینار » بیان نصف دیه است و نه زاید بر آن و نظری به تعیین دینار ندارند و مرحوم صاحب جواهر در شرح کلام مرحوم محقق حلی اشاره‌ای به تعیین دینار نکرده‌اند و مطلب به همان نحو در شرایع محقق حلی آمده است که در تحریر الوسیله ذکر شده است، یعنی در ابتداء دیه قطع دست را به میزان نصف دیه کامل به نحو تخییر بیان نموده و سپس به مسأله قطع دست از مرفق متعرض

۱- مارواه فی الوسائل ج ۱۹ ص ۳۱۷ عن هشام بن سالم (عن ابی‌عبدالله) علی نقل شیخ الصدوق: قال کل ما کان فی الانسان اثنان ففیها الدیه و فی احد همانصف الدیه و ما کان فیه واحد ففیها الدیه.

۲- قانون دیات ماده ۱۳۸

۳- تحریر الوسیله ص ۵۷۹

شده و دیه آن را پانصد دینار ذکر کرده است بنابراین عبارت مرحوم محقق در شرایع نیز ظهوری در تعیین دینار ندارد .

از شواهد دیگر مطلب ، یعنی عدم تعیین دینار ، آنستکه روایات وارده در این مسئله دلالت دارند بر اینکه دیه یک دست نصف دیه است و هیچ اشاره‌ای به دینار ندارند . از باب نمونه در حدیث عبدالله بن سنان باسند معتبر می‌بینیم که امام صادق (ع) فرموده است : در دست ، نصف دیه است ^۱ روایاتی هم که دلالت دارند بر اینکه هر چیزی که در بدن دو تا باشد در یکی آن نصف دیه است از همین قبیل اند ^۲ . علاوه بر این بار دیگر به استبعاد عرف اشاره میکنیم .

۷ - دیه کندن ناخن بطوریکه دیگر نروید یا فاسد بروید ده دینار و اگر سالم و سفید برآید پنج دینار است ^۳ . گرچه در این مسأله روایتی هست که دیه ناخن در صورت نروئیدن ده دینار است ^۴ لیکن بحث عنوان شده در مسائلی گذشته در این مسئله نیز مطرح است که آیا کلمه ده دینار در روایت ، و یا فتاوی از باب مثال است ، یعنی یکصدم دیه کلمه و یا موضوعیت دارد یعنی حتماً باید ده دینار داد ، بعلاوه همان استبعاد سابق ، در این باب نیز وجود دارد . یعنی دیه یک انگشت گرچه مشتمل بر ناخن باشد یکدهم دیه کلمه است و دیه ده انگشت دیه کامله است ، به نحو تخییر و در این حالت اگر دو دست دست لباس اختیار شود ، و هر دست لباس با مشخصات مربوط در بحث دیات پانصد تومان ارزش داشته باشد دیه کامل بالغ بر یکصد هزار تومان میشود و چنانچه دیه ده ناخن متیناً یکصد دینار باشد ، در این زمان به یکصد و بیست هزار تومان میرسد و چنین معنایی مورد استنکار و استبعاد مردم است .

۸ - هر گاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات ، معالجه مؤثر شود و ثری از جنایت نماند ، جانی باید یکصد دینار بپردازد . *

گرچه امام خمینی مدظله در این مسئله یکصد دینار را ذکر کرده‌اند ، لیکن چون بری دیه کمر ، به دیه کامل قائلند ^۵ و در آنجا دینار را موضوعیت نداده‌اند باید گفت چنانچه یکصد دینار را که در این بحث آورده‌اند ظهوری در تعیین دینار ندارد بلکه از باب مثال است و مرادشان همان نسبت است و به نحو تخییر . مرحوم محقق نیز در شرایع دیه کمر

۱- مارواه فی الوسائل ج ۱۹ ص ۲۱۵ عن ابی عبدالله (ع) و فیه : فی الید نصف الدیه

۲- وسائل ج ۱۹ ص ۲۱۷

۳- قانون دیات ماده ۱۳۵

۴- مارواه فی الوسائل (ج ۱۹ ص ۲۶۷) عن ابی عبدالله (ع) قال قضی امیرالمؤمنین (ع) فی الظفر اذا قطع ولم ینبت او خرج اسود فاسداً عشرة دنانیر فان خرج ابیض فخمسة دنانیر

۵- قانون دیات ماده ۱۳۷

۶- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۸۱

را پس از معالجه و اصلاح آن ثلث دیده میدانند^۱ و دینار را متعیناً نگفته‌اند یادآوری میکنیم که مدرک یکصد دینار در مسئله محل بحث همان خبر ظریف است.^۲ که بسیاری از سائل دیات را بیان کرده است و از جمله به دیات شکستن اعضائی اشاره شده است که معالجه و اصلاح میگردد. امام (ع) در این موارد دیده را به نحو نسبت به اعضاء بیان فرموده‌اند. در همین حدیث آمده است که دیده بازو هنگامیکه بشکند و سپس بدون عیب اصلاح بشود خمس دیده دست است و همینطور است، دیده مرفق که خمس دیده دست دانسته شده است. پس اگر در همین روایت دیده عضوی را با دینار تعیین کرده باشد ظهوری در تعیین دینار ندارد، بلکه مراد همان نسبت است که در بعضی از اعضاء بان تصریح شده است (مانند دیده مرفق که امام (ع) پس از بیان این مطلب که دیده مرفق در صورت معالجه یکصد دینار است میفرماید: «ذلک خمس دية الید»، این مبلغ یک پنجم دیده دست راست است.

۹ - امام خمینی دام‌ظله در دیده حلمه پستان مرد می‌نویسند: در حلمه و سرپستان مرد ثمن دیده (۱۲۵ دینار) و دیده هر دو ربع دیده است و بعضیها گفته‌اند دیده سردوپستان مرد تمام دیده است. سپس میگویند: قول اول اقوی است^۳ و ظاهر عبارت ذیل این است که معظم له مسئله را بین دو قول دانسته‌اند: ثمن دیده در صورت یک پستان و ربع دیده در صورت هر دو و تمام دیده که مقتضی قول دیگر است و نیز در صورت قطع دو پستان میفرمایند دیده آن ربع دیده کامله است و اسمی از دینار نمی‌آورند. بنابراین ملاک همان نسبت است و ذکر دینار از باب مثال است. جواهر نیز بهمین طرز که از تحریر الوسیله نقل شد، مسئله را عنوان کرده و دو قول را نقل نموده است^۴ و معلوم است عبارت اشخاصی که تعبیر کرده‌اند: دیده سرپستان مرد ثمن دیده ۱۲۵ دینار است ظهور در تعیین دینار ندارد چنانکه در روایت ظرف هم که مثل همین تعبیر آمده است ظهوری در تعیین دینار ندارد.^۵

۱۰ - دیده ایجاد فتق دو بیضه چهارصد دینار است و اگر ایجاد فتق موجب زوال قدرت راه رفتن شود، دیده آن هشتصد دینار خواهد بود.^۶

مدرک این حکم همان کتاب ظریف است که از حضرت امیرالمومنین (ع) نقل می‌نماید و سند کتاب بر حسب آنچه در جواهر آمده متعدد است و بعضی از طرق آن صحیح است

۱- جواهر ج ۲ ص ۲۶۱

۲- وسایل باب ۱۱ ص ۲۲۷

۳- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۸۲

۴- جواهر ج ۴۲ ص ۲۶۴

۵- جواهر ج ۴۲ ص ۲۶۵ نقل از کتاب ظریف: فی حلمة ندى الرجل ثمن الدية، مائة و خمسة و

عشرون دیناراً

۶- قانون دیات ماده ۱۴۲

(و بنابراین نباید حدیث مذکور را با ضعف سند رد نمود) در این کتاب از حضرت امیر (ع) روایت میکند دیه فتنق دو بیضه چهارصد دینار است و چنانچه فتنق باعث عجز از راه رفتن شود و راهی که بدردی بخورد برای شخص میسر نباشد چهارپنجم دیه نفس (هشتصد دینار) است ^۱ . ملاحظه میشود که هشتصد دینار از باب آنستکه چهارپنجم دیه است و از این جهت حدیث شریف ظهوری در تعیین دینار ندارد و مانند موارد دیگر استبعاد مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرد آنچه در تحریرالوسیله آمده است و امام خمینی دام‌ظله ، دیه فتنق بیضه را چهارصد دینار گفته‌اند ، گرچه ظاهرش تعیین دینار است ، لیکن در ذیل مسئله ، مطلبی را ذکر کرده‌اند که ظهور عبارت صدر را در تعیین دینار ساقط می‌کند ، یعنی میفرمایند هرگاه فتنق باعث شود که مانع از راه رفتن باشد ، راه رفتنی که بدردی بخورد ، دیه آن هشتصد دینار ، چهارپنجم دیه کامله است . پس معظمله ملاک را چهارپنجم گرفته‌اند و هشتصد دینار را از باب مثال دانسته‌اند ^۲ .

۱- دیه هر یک از دنده‌هایی که در پهلوی چپ واقع شده و محیط به قلب میباشد بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده‌ها ده دینار است ^۳ امام خمینی دام‌ظله نیز متعرض این مسأله شده و حکم دیه را به نحو فوق بیان کرده‌اند ^۴ مرحوم صاحب جواهر نیز از محقق حلی به مثل همین حکم را نقل کرده است ^۵ . مدرک این حکم هم روایتی است که ظریف از امیرالمومنین (ع) نقل نموده است ^۶ هرگاه بدقت باین حدیث نظر شود معلوم میشود دنایر مذکور از باب مثال است و استناد اصحاب از آنها موضوعیت نداشته است . مرحوم محقق و نیز امام خمینی در مواردی از این حدیث ، به موضوعیت قائل نشده‌اند مثلاً در این حدیث دیه ظهر هزار دینار تعیین شده است اما امام خمینی و نیز محقق حلی در کتاب شریع دیه ظهر را دیه کامله فرموده‌اند ، بی آنکه اسمی از دینار برده باشند .

۱۲ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد . دیه شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود یا با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار میباشد ^۷ .

مرحوم محقق حلی از کتابهای مبسوط و خلاف شیخ الطائفه مطلب را به همین صورت نقل فرموده و امام خمینی نیز مسئله را به همین نحو بیان نموده‌اند ^۸ که هرگاه یکی از

۱- جواهر ج ۴۲ ص ۲۷۲ نقل از تهذیب شیخ

۲- تحریرالوسیله ج ۲ ص ۵۸۳

۳- قانون دیات ماده ۱۴۵

۴- تحریرالوسیله ص ۵۸۶

۵- جواهر ج ۴۲ ص ۲۸۰

۶- وسائل ج ۱۴ ص ۲۳۱

۷- قانون دیات ماده ۱۴۶

۸- جواهر ج ۴۲ ص ۲۸۷ و تحریرالوسیله ج ۲ ص ۵۸۶

ترقوه‌ها بشکند و بخوبی درمان بشود دیه آن چهل دینار است در اینجا ظاهر کلامشان تعیین دینار است اما چون مدرک این حکم نیز روایت ظریف است^۱ استفاده موضوعیت و تعیین دینار از آن مشکل است.

۱۳ - هرگاه نیزه یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه معنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتیکه زن باشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود^۲ این مسئله را مرحوم محقق در کتاب شرایع عنوان کرده و از دیگران نقل نموده است که دیه چیزی که در اعضای مرد فرو رود یکصد دینار است. در جواهر مستند حکم را همان روایت ظریف دانسته است. گرچه ظاهر عبارت در تعیین دینار است اما همانطوریکه در مسئله ۱۱ گفتیم حدیث شریف ظهور در تعیین ندارد و علاوه بر این در جواهر از کتاب ظریف نقل دیگری نموده که دیه نافذ را با نسبت بیان کرده است^۳ و میگوید: در کتاب آمده است که هرگاه چیزی بمانند نیزه و خنجر به بدن مرد فرو رود دیه، عشر دیه کامله، یکصد دینار است. ملاحظه میشود یکصد دینار از باب اینکه عشر دیه کامله است عبارت آمده و درگاه در مواردیکه جانی بخواهد به شیراز دینار دیه بدهد، میتواند عشر آن را پرداخت کند. بنابراین ذکر دینار از باب مثال است نه تعیین و موضوعیت و همین توجیه را در مورد کلام امام خمینی نیز میتوان عنوان کرد.

۱۴ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ متغیر و یا بدن متورم گردد بقرار ذیل است.

الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار.

ب - سبز شدن صورت سه دینار.

ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم.

د - در سایر قسمتهای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یک

دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است^۴.

امام خمینی دام‌ظله در موارد فوق دیه را به ترتیبی ذکر نموده‌اند که اگر قریندای در بین نباشد عبارت در تعیین دینار ظهور دارد، لیکن استثنائیکه از ایشان نقل کردیم بیان میدارد در مواردی که شتر بعنوان دیه آمده است، مراد از آن نسبت است نه موضوعیت. مثلاً اگر دیه در حارصه، یعنی تراش صورت بدون اینکه خونی شود، یک شتر باشد مراد از آن یک‌صدم از دیه نفس است. پس اگر جانی بخواهد درهم بدهد باید به نسبت یک‌صدم از ده هزار درهم، دیه را پرداخت نماید. همین مطلب فرینه است که نمیشود دیه سیاه

۱- وسائل ج ۱۹ ص ۲۲۶

۲- قانون دیات ۱۸۹

۳- جواهر ج ۴۲ ص ۳۴۴

۴- دیات مصوب ماده ۹.

دینار و دیات / ۷۵

شدن صورت را معیناً شش دینار گفت زیرا در مورد زخمی کردن صورت یکصدم دیه باید پرداخت شود و چنانچه درهم اختیار شود، قیمت آن قدری بیشتر از سه هزار تومان میشود حال آنکه اگر صورت سیاه گردد باید شش دینار بقیمت هفت هزار و دویست تومان پرداخت .
عرف مردم هرگز نمی تواند چنین حکمی را از الفاظ احادیث و فتاوی استفاده کند و قبول نماید . این اشکال به ظاهر کلام محقق حلی نیز وارد است . در نتیجه باید گفت مقصود از شش دینار که در عبارت وی آمده است موضوعیت ندارد و مراد از ۶ دینار شش هزارم دیه کامله از اقسام دیات است .

۱۵ - دیه سقط جنین بترتیب ذیل است :

۱- دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار .

۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار .

۳- دیه مضغه که بصورت گوشت درآمده است شصت دینار .

۴- دیه جنین در مرحله ای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار .

۵- دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده

یکصد دینار ۲ .

امام خمینی دام ظلّه نیز بترتیب بالا دیه را برای اقسام جنین قائل شده اند^۳ صاحب جواهر نیز متعرض بعضی از اقسام جنین شده و دیه آنها را به نحو فوق ذکر نموده است^۴ . ظاهراً کلام امام خمینی و صاحب جواهر گرچه در نظر اول همان تعین دینار است لیکن به قرینه ای که در عبارت آمده استفاده میشود دینارهای مذکور در دیات جنین موضوعیت ندارد بلکه برای بیان نسبت این دیات است به دیه کامله و در کلام معظم له در تحریر می بینیم، دیه جنینی را که روح در آن حلول کرده دیه کامله گفته اند و سپس جمله هزار دینار را بآن اضافه می نمایند^۵ پس همانطور که برای دیه کامله هزار دینار را مثال زده اند و موضوعیت ندارد، در بقیه موارد نیز باید دینارها را بعنوان مثال و بیان نسبت آنها بدیه کامله دانست و در کلام صاحب جواهر نیز قرینه ای موجود است که دلالت دارد بر اینکه دینار بعنوان مثال است . ایشان پس از نقل مسأله از محقق حلی مستند حکم را که روایات است ذکر مینمایند . اما استفاده تعین دینار در دیات از این روایات در موارد ذکر شده مشکل است ، بلکه ظاهر آنست که دینار بعنوان یکی از مصادیق دیات و از باب مثال ذکر گردیده است و از جمله

۱- جواهر ج ۴۲ ص ۳۴۷

۲- قانون دیات ماده ۱۹۴

۳- تحریر الوسیله ص ۵۹۷

۴- جواهر ۴۲ ص ۳۵۶

۵- الجنین اذا ولج فيه الروح ففيه الدية كاملة الف دینار

آنها حدیثی است که صاحب جواهر سند آنرا معتبر (مثل صحیح) دانسته است و در آن پس از آنکه مراتب نطفه و علقه و مضغه و جنین قبل از ولوج روح بیان شده و دیه برای آنها تعیین گشته چنین آمده است : و اما پس از آنکه خلق دیگری را که عبارت از روح است در آن قرار دادیم دیه آن هزار دینار ، دیه کامله است و از این جمله استفاده میشود که هزار دینار از باب دیه کامله آمده است و مثال است . بنابراین هر چه قبل از آن ذکر شده است از قبیل هشتاد دینار و یکصد دینار ، از باب دیه ناقصه میباشد ، نه اینکه دینار موضوعیت دارد . در خبر ، سلیمان بن صالح از امام صادق (ع) روایت میکند : دیه نطفه . ۲ . دینار و علقه . ۴ دینار و مضغه . ۶ دینار و دیه استخوان . ۸ دینار و دیه استخوان در گاه گوشت در آن باشد یکصد دینار است و پس از آنکه قابلیت استهلال پیدا نمود (و قدرت بر گریه کردن پیدا کرد) دیه کامله است . ۲

ذیل خبر در مورد جنینی که روح در آن باشد ، دیه کامله را مطلقاً و بطور تخییر ذکر می کند و از این مطلب درمی یابیم که قبل از آن نیز هر چه به عنوان دیه ذکر شده است دیه ناقص است و همانطور که دیه نفس و کامل تخییری است ، دیه ناقصه نیز تخییری است و دینار موضوعیت ندارد .

۱۶ - دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است . ۳

امام خمینی دام ظلّه میفرماید دیه اعضاء جنین و جراحات آن با دیه خود جنین مقایسه میشود ، یعنی در حالیکه دیه جنین یکصد دینار است ، دیه یک دست ، نصف آن یعنی پنجاه دینار میباشد . ۴

مرحوم محقق نیز در کتاب خود همین تعبیر را در دیه اعضاء جنین آورده است و صاحب جواهر در شرح آن میگوید پس دیه یکدست پنجاه دینار ، یعنی نصف دیه میباشد . ۵

چنانکه در تعبیرات فوق ملاحظه میشود ، دیه اعضاء جنین به نسبت دیه خود جنین ملحوظ و سنجیده شده است بنابراین چون در مسئله سابق (یعنی دیه جنین) گفته شد که دینار موضوعیت ندارد در دیه اعضاء آن نیز میگوئیم که دینار تعیین ندارد ، و از باب مثال است .

۱۷ - امام خمینی دام ظلّه میفرماید : هر گاه کسی جماع کننده ای را بترساند که در

۱ - وسائل ج ۱۹ ص ۳۳۷ فاذا نشاء فیه خلق آخر و هو الروح فهو حیثئذ نفس بالقب دینار کامله ان کان ذکراً و ان کان انثی فخصاًة دینار

۲ - وسائل ج ۱۹ ص ۳۳۸ حدیث ۳

۳ - قانون دیات ماده ۱۹۸

۴ - تحریر الوسیله ج ۲ ص ۵۹۸ (دیه اعضاء الجنین و جراحاته بنسبة دیتة ای من حساب الماة ، فقی یده خمسون دیناراً)

۵ - جواهر ج ۴۲ ص ۳۷۵

ترتبه منی او بیرون ریخته شود باید ده دینار دیه آن را بدهد و این دیه برای تضييع نطفه است^۱ و همین تعبیر در جواهر نیز آمده و به روایت ظریف استدلال شده است که امیرالمومنین (ع) میفرماید هر گاه منی فردی به بیرون ریخته شود، بدون اینکه وارد رحم گردد، دیه آن نصف یک، پنجم یکصد دینار، ده دینار است.^۲

از این استدلال استفاده میشود که تعبیر بدینار در عبارتهای فقهاء برای آن بوده است که دینار در روایت ظریف آمده است و ما در سابق گفتیم هر گاه کسی به صدر و ذیل این حدیث دقیق شود مطمئن میگردد دینار در آن فقط از باب مثال و بیان نسبت است نه تعیین.

۱۸ - دیه جنایتی که بر سرده مسلمان واقع میشود بترتیب زیر است :

الف - بریدن سر یکصد دینار.

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و جوارح بهمین نسبت ملحوظ میگردد.^۳

امام خمینی دام‌الله میفرماید: دیه قطع سر میت یکصد دینار است.^۴

مرحوم محقق نیز در کتاب شرایع دیه بریدن سر میت را یکصد دینار نوشته‌اند. ظاهر این عبارت گرچه تعیین دینار است، لیکن از مندرک حکم استفاده میشود که دیه میت مثل دیه جنین است و چون در دیه جنین دینار را متعین ندانستیم در میت هم باید چنین بگوئیم. مرحوم صاحب جواهر نیز در جواهر من نویسد: این حکم، حکمی است مشهور بین علماء بلکه از خلاف و انتصار و غنیه نقل شده است که اجماعی است، سپس میگوید: روایت حسین بن خالد که سند آن در اصطلاح حسن است، بر آن دلالت دارد. آنگاه روایت را نقل میکند که در آن آمده است: راوی از امام علیه‌السلام سؤال میکند دیه قطع سر میت چقدر است، امام (ع) در پاسخ میفرماید: دیه سر میت همان دیه جنین است که در رحم مادر باشد و روح در آن دمیده نشده باشد و آن یکصد دینار است.^۵ پس از این روایت استفاده میشود که دیه سر میت همانند دیه جنین است، هر چقدر باشد سپس امام (ع) بحسب دینار آنرا یکصد دینار ذکر فرموده است و روشن است این عبارت ذیل نمیتواند در دینار متعین باشد و ناچار باید آنرا حمل بمثال کرد.^۶

۱- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۹۸

۲- وسائل ج ۱۹ ص ۲۳۸

۳- قانون دیات ماده ۲۰۱

۴- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۹۹

۵- جواهر ج ۴۲ ص ۳۸۴

۶- عبارت حدیث طبق نقل صاحب جواهر چنین است: قلت: من قطع رأس رجل میت اوشق بطنه او ذمل به ما یكون فی ذلك الفعل احتیاج النفس الحی فعلیه ذیة النفس كاملة؟ فقال لا ثم اشارالی باذبعه الخنصر فقال ایس لهذه ذیة قلت بلی قال فتراه ذیة نفس قلت لا قال صدقت، قلت و سادیة هذه اذا قطع راسه و هو میت قال ذیته ذیة الجنین فی بطن امه قبل ان ینشأ فیه الروح و ذلك مائة دینار.

خلاصه بحث

بحث گذشته را به ترتیب زیر خلاصه میکنیم :

۱- هرگاه در دیه قتل نفس در بین دیات تشنگانه قائل به تخیر باشیم باید همین تخیر را در دیه اعضا نیز بگوئیم ، زیرا عرف مردم آنکه فهم آنان در استظهار از روایات ملاک عمل است (همانطور که در محل خود سبرهن میباشد) نمی تواند قبول کند که در دیه قتل نفس ، بین دیات تخیر باشد ، ولی در دیه اعضا تخیر نباشد ، بلکه گفته شود دینار متعین است . در این صورت هرگاه دیه اعضا را محاسبه کنیم و به قیمت بیاوریم در بعضی از فروض مسئله ، دیه یک عضو از دیه قتل بیشتر میشود .

۲- مواردیکه در تحریر الوسیله و شرایع و جواهر ، دیه به دینار ذکر شده است ، ظهور در تعیین ندازند ، بلکه هرگاه در این موارد دقت شود معلوم میگردد که نظر فقهاء عظام در این موارد ذکر مثال بوده است .

۳- به فرض اینکه حکم شقوق مورد بحث نفیاً و اثباتاً از ادله استفاده نشود ، اصل عدلی در این مسائل ، برائت از قیدزاید ، یعنی تعیین دینار است . توسط این اصل لزوم و تعیین دینار ، در مقام دیه اعضا ، نفی میشود و این مبنائی است که استاء معظم ما در بحث اصیل ، در دوران امر بین تعیین و تخیر داشتند ، بنابراین رفتی از یک طرف تعیین دینار را با اصل نفی کردیم و از طرف دیگر ترک کلیه دیات تشنگانه را بخلاف علم قطعی دانستیم ، ناچار باید معتقد شویم که لازم است در این موارد یکی از دیات تشنگانه بالنسبه پرداخت شود .

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 * * *
 * * *
 * * *
 * * *
 * * *